

« نامه ماهانه ادبی ، تاریخی ، علمی ، اجتماعی »

شماره - هفتم

مهر ماه

۱۳۵۱

آرشیو

سال پنجاه و چهارم

دوره - چهل و یکم

شماره - ۷

تاسیس بهمن ماه - ۱۲۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

(دبیر اول : دکتر محمد وحید دستگردی)

مرتضی مدرسی چهاردهی

معمار و مهندس شعر نو کیست ؟!

شعر خوب کدام است ؟!

شعر خوب از هنرهای زیبا است ، شاعر هنرمند عواطف و احساسات را بزبانه کلماتی بیان می نماید ، شاعری که آشنا با انتخاب الفاظ و معانی است میدانند چه کلمه ای را برگزینند ، چگونه کلمات و الفاظ را در قالب سخن آورد ، احساسات را چه جور تحریک کند ، شنونده و خواننده را با کدام لفظ و معنی به هیجان آورد ، زمانی بخنداند گاه بگریاند . هنر ادبی در این است که هرگاه کلمه یا کلماتی را که در شعر بکار برده شده بردارند و بجایش کلمه یا الفاظ دیگری نهند ، شعری اثر

شود ، از حالت شعری بیرون رود ، بصورت نظم درآید ، گرچه کلمه‌ای که برداشته‌اند مرادف آن را در شعر گذارند ، در آن صورت بازی با الفاظ و کلمات است ، شعر نیست !
نظم است ! روح ندارد ! خشک و خسته کننده است !

مترادف در لغت

بعقیده دانشمندان کلمه « مترادف » همان معنی اصلی را نمی‌دهد ، تقریباً شبیه آن است ، قدری با لغت اصلی در معنی تفاوت دارد ، از این جهت گویند لغت « مترادف » نداریم .

شاعر وقتی که کلمه‌ای از شعرش بیرون کشید ، لفظ دیگری تقریباً بهمان معنی کلمه نخست بجایش گذاشت ، چه بسا مفهوم شعر دگرگون گردد ! از خوبی به بدی تبدیل شود ! یا شاهکاری پدید آید ، انتخاب کلمه و الفاظ زیبا و مناسب در سرودن شعر مداخلیت بسزا دارد ، معانی دقیق و لطیف در ذهن شنونده و خواننده اثر می‌گذارد ، مانند شاهکارهای ادبی جاودانه خواهد گشت ، آنگاه همه از برنا و پیر با آن ابیات آسمانی زمزمه می‌کنند ، بمناسبت حال و مقال بدان مترنم شوند .

آری بکار بردن يك کلمه در معنی شعر بر حسب دلالت لفظ در معنی اثر می‌کنند ، در ذوق و روان شنونده ، خواننده تأثیر می‌نماید ، این گونه دقت ها در بکار بردن الفاظ ، جابجا کردن کلمات است که معانی و زیبایی شعر را نمودار می‌سازد ، مورد پسند صاحب نظران قرار میدهد ، استاد ادب میدانند کدام کلمه را در شعر آورد که شنونده ، خواننده به هیجان آید ، چنانکه بشعر معروف شادروان استاد « وحید دستگردی » سال‌ها مردم زمزمه کردند ، درویشان دوره گرد بر سر هر کوی و بازار پر سه زنان خواندند .

(محترق گشت چونار نجك حراق اروپ)

این اشعار تقریباً سرودی شده بود بیشتر مردم بدان مترنم شدند ، با آنکه

شادروان صاحب ارمغان هیچگونه وسیله تبلیغاتی نداشت، اشعارش را با بوق و کرنا بگوش مردم نمیرساند، از تظاهر گریزان بود، ولی پس از انتشار چکامه چنان سرعت برق آوازه اش پیچید، در شهرها، روستاها بیشتر مردم ستم دیده زبان حال خود را در چکامه معروف «ویلhelm» یافتند!

چون استاد ادب زبان حال مردم را درست درک کرده بود، در آغاز جنگ اول جهانی بود، مردم رنج کشیده تکلیف خود را نمی دانستند چیست! پنداشتند که آلمان منجی ملت های ستم دیده شرق است! در آن احساسات بودند که قصیده معروف صاحب ارمغان منتشر شد، چون از زبان دل سروده شده بود، بر جان ها نشست بر آستی شعر نو بود، سابقه در ادبیات فارسی نداشت، مضامین تازه و نو بود، در قالب الفاظ و کلمات و اصطلاحات روز سروده شده بود، گرچه بعضی از شاعران و ادیبان به پیروی از استاد وحید چکامه ها و چامه ها سرودند، ولی اشعارشان ارزش نیافت! در نزد صرافان سخن مورد قبول واقع نشد!

چرا!! مردم بدانها توجهی نداشتند، مانند بیشتر اشعار دیگر بازی با الفاظ و کلمات بود، آری تقلید یا اقتباس از دیگری چه بسا ارزش ادبی و هنری را از بین می برد مگر استاد هنرمندی شاهکاری پدید آورد، آنگاه همه اشعار این و آن را تحت الشعاع شعر خود آورد.

هنر بکار بردن الفاظ و معانی تمرین می خواهد تا بلکه ادبی فراهم آید، در آن حال بکار شعر و شاعری پردازد و اثری بدیع پدید آورد، در اثر پرورش استادان ادب سخنور گردد، نه ناظم الفاظ که قافیه ها را با کلمات ردیف کند، نظم را برشته نگارش آورد و نامش را شعر خواند! هنرمندی که می خواهد آثارش جاودانه گردد، نخست استعداد فطری لازم است، برخوردارها، آمیزش ها، تحصیلات، آشنائی به - اوضاع و احوال محیط، اثرهایی که عوامل خصوصی و عمومی در هنرمند مینماید

او را آشنا با احساسات ، روحیات اجتماع میسازد ، در آن صورت خواهد دانست که چگونه احساسات مردم را برانگیزاند .

معمار و مهندس اشعار نوین کیست ؟ ۱

این گونه عوامل بود که در ادیب الممالک فراهانی اثر گذاشت ، استاد قصیده سرای قرن اخیر توانست قصاید معروف خود را بسراید ، شاهکار ادبیات نوین معاصر را پی ریزی نماید ، او معمار ادبیات نوین معاصر بود ، مهندس اشعار نو بود ، آری شعر نو اوست که پهلو باشعار شعرای گذشته میزند ، آنجا که فرماید :

مائیم که از بادشهان باج گرفتیم

زان پس که از ایشان کمر و تاج گرفتیم

دیهم و سریر از گهر و عاج گرفتیم

اموال و ذخایر شان تاراج گرفتیم

وز پیکر شان دیبه و دیباج گرفتیم

مائیم که از دریا امواج گرفتیم

و اندیشه نکردیم ز طوفان و ز تیمار

درست دقت نمائید، کلمات و معانی در ذهن استاد سخن چون موم بود ، مسائل

روز و معانی دقیق چگونه بیان شد .

کز چرخ همی گشت عیان رایت کاوه

برخیز شتر بانا بر بند کجاوه



فریاد از آن خرس کهن سال شکم خوار

وامد سر همسایه برون از پس دیوار

در قصاید ادیب الفاظ و معانی چون امواج خروشان است که اندیشه ها راهشدار

میدهد ، ذهن‌ها را بیدار می‌سازد روشنی کلمات تاریکی را میزداید !
 نگارنده ناچیز این سطور درست بیاد دارد که ، شادروان استاد سخن وحید دستگردی مرا فرمود : چون بیشتر قصاید و اشعار ادیب الممالک شعر نو و تازه بود اساتید ادب مضامین ادیب را در آن الفاظ و کلمات نوین نسروده بودند، بنابراین درخواست دوستان و یاران ادبی کلیات دیوان ادیب را چاپ و منتشر ساختمیم تا نخواستگان شعر فارسی پیروی از استاد سخن نمایند و درست شعر نو بسرایند دیگر عرض خود نبرند و زحمت ما را کم سازند !

شعر مانند نثر نیست ، شاعر نمی‌خواهد خواننده و شنونده‌اش را قانع سازد ، او با احساسات و عواطف و هیجانات روحی سروکار دارد ، شاعران هنرمند نمودار احساسات بشری هستند ، اشعارشان مانند نوای موسیقی در شنونده و خواننده تأثیر مینماید ، چون آشنا بوسایل تأثیر در نفوس اند ، خوب میدانند چه کلماتی را در شعر بکار برند ، چگونه احساسات را برانگیزانند .

استاد سخن شکوفه‌های ادب را پرورش میدهد، از عواطف و احساسات گل‌چینی مینماید ، همه آنها را در قالب شعری مهندسی میکند ، معماروار و استادانه کلمات را بکار می‌برد تا شاهکاری پدید آورد ، استاد ادب درست میدانند که چه کلمه‌ای در شعر هیجان‌آور است ، غوغا و شورانگیز است ، طرب‌انگیز کدام کلمه و معانی است .

چنانکه ادیب الممالک فراهانی با قصاید و اشعارش ، استاد وحید دستگردی صاحب ارمغان با چکامه معروف (نارنجک) و اشعار دیگر و چند تصنیف دلکش خود، ایرج میرزا و عارف با ترانه‌های شورانگیزش از پیش تازان انقلاب ادبی و شعر نو بوده‌اند. چه ما بخواهیم و یا نخواهیم این ماجرا در تاریخ ادبیات معاصر زبان فارسی ثبت است . آری مدتی میتوان تاریخ را تعریف نمود اما روشنائی‌ها و وقایع ثابت تاریخی را نمی‌توان از بین برد و فراموش کرد .